

تعزیه و مراسم آیینی / عاشورایی

دکتر احمد جولایی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد، واحد بوشهر)



و تسلاهی کسان مرده رفتن و پرسه، آشنا بوده‌اند. به‌طوری‌که تعزیه ایرانی را به دو بخش قبل و بعد از اسلام تقسیم کرده‌اند. اما تعزیه، به معنای اصطلاحی آن، به دستگامی اطلاق می‌شود که از زیرمجموعه‌هایی (نظام) مستقل که در عین حال دارای یک رابطه از گانیک نسبت به هم هستند ساخته شده‌اند؛ نظام‌هایی که ذوق و هنر ایرانی به‌خوبی در آن‌ها متبلور است. نظام‌های دیداری، شنیداری، نوشتاری، صحنه‌آرایی و دکور، نسخه و نسخه‌نویسی و به‌طور کلی استاتیک و زیبایی‌شناسی ایرانی است که خود را نشان می‌دهد. تعزیه‌هایی نظیر سوگ سیاوشان، کین ایرج و... از نمونه‌هایی هستند که از روند زندگی قبل از اسلام ایرانیان یاد شده‌اند. اما تعزیه بعد از اسلام، بعد از حادثه «طف» در سال ۶۱ هجری و خون‌سرخ‌ی که بر پهن دشت کربلا ریخته شد جان تازمای گرفت. ابوالقاسم خبثی عطایی در کتاب خود یادآور می‌شود که: «مراسم عزاداری شهدای دین و شبیه‌خوانی و نمایش مصائبی که برائمه اطهار و یاران فداکار آنان وارد شد از زمان حکومت سلسله دیالمه (معزالدوله ۳۵۲ هـ.ق) در ایران جلوه و رونقی بسزا یافته است که واقعه طف و مضامین مربوط به آن، موجب نخستین تعزیه‌نامه‌های نمایشی می‌باشد.»^۱

البته این روند شکل‌گیری تکامل تعزیه تا به امروز مراحل مختلفی را گذرانده است. در یک روند شکل‌گیری استاد دکتر رضا خاکی، محقق امر تعزیه، می‌نویسد: «از زمان شکل‌گیری اولین مراسم و آیین‌های عزاداری برای قهرمانان کربلا، تا دوره شکل‌گیری این مراسم به صورت نمایش (تعزیه) قرن‌ها فاصله است؛ در این فاصله، انواع گوناگونی از تظاهرات مذهبی پدیدار گردیده است. از «مناقب‌خوانی» و «قصایدخوانی» تا «مرثیه‌سرایی» و «توحه‌خوانی» و سرانجام «روضه‌خوانی» و «تعزیه»^۲

تعزیه ایرانی پس از گذر از مراحل گوناگونی نظیر دوران دیالمه، صفویه و زندیه اوج خود را در دوران قاجاریه یافت تا جایی که تکاپای متعددی در ایران ساخته شد. تکاپایی که بر اساس تأسی از دو شیوه معماری شناخته‌شده یعنی کاروان‌سرا و زورخانه‌هایی ایرانی بود البته عده‌ای را عقیده بر آن است که این شیوه معماری و از جمله بزرگ‌ترین تکیه ایران (تکیه دولت) برگرفته از شیوه تالارهای نمایشی اروپا، خصوصاً انگلستان و سبک معماری الیزابتها بود. در این باره آقای ملک‌پور، که از محققان امر تعزیه‌اند، می‌نویسد: «ناصرالدین‌شاه که مردی متظاهر و تجمل‌پرست بود پس از سه بار سفر به اروپا و دیدن تالارهای نمایش آن‌ها آچون نمی‌توانست نمایش به سبک اروپایی را در ایران باب کند! تعزیه را وسیله‌ای برای نشان دادن شکوه و عظمت مذهبی خود قرار داد. به‌طوری‌که در شهر تهران بیش از سیصد تکیه ساخته شد. ناصرالدین‌شاه افزون بر تکیه شاهی بر تکیه‌نیاوران

بدون شک، ملل مختلف در جهان با شاخصه‌های فرهنگی، شناخته و از هم تمیز داده می‌شوند. فرهنگ در آئینه باورها و رفتارهای فردی و جمعی خود را نشان می‌دهد و تبلور فرهنگ در آیین و فعالیت‌های قومی، به مثابه آئین‌های، فرازا و فرودهای جمعی را می‌نمایند. برای این تفهیم و تفاهم رسانه از جایگاه مهمی برخوردار است؛ رسانه‌ای که بتواند این بار مهم را بر دوش بکشد و پیام فرستنده را به مخاطب برساند. پیام‌هایی که در مسیر حیات قومی، به منصف ظهور می‌رسند و تبلور حسینی و هویت ملی هستند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. در پیشینه قومی ملت بزرگ ما فرهنگ ایرانی - اسلامی و در این میان فرهنگ عاشورایی و محرم و خصوصاً روز عاشورا چون پرچمی است که در تاریخ به اهتزاز درآمده است. به‌طوری‌که می‌توان گفت روز دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری، همان پرچم سرخ‌ی است که بر سنج فرهنگ شیعی در اهتزاز است؛ پرچم سرخ‌ی از پیام سرخ رسالت‌داری بزرگ که فرمود: «حسین منی و ان من حسین». هوش و ذکاوت ایرانی و پیشینه تاریخی او مؤید آن بوده است که برای مانایی و ثبت در تاریخ قومی، آیین را گزیده است. آیین و مناسک محمل خوب و مناسبی است که می‌توان با آن افتخارات، باورها و... خود را بر سینه تاریخ حک کرد. و از میان هنرهای شناخته‌شده

امر نمایش که خود زاده آیین و مناسک است، در واقع رسانه‌ای درخور توجه، بسیار راهگشا و قابل تأمل بوده است و خواهد بود.

آیین‌ها و مناسک مذهبی در ایران، در قالب تعزیه خود را می‌نمایند، گرچه به ظاهر در این زمینه سخن بسیار است و اهل فن را گاه به چالش کشیده، اما هستند کسانی نظیر پیتر چلکوفسکی که تعزیه ایرانی را بسیار بالارزش یافته و درباره آن این‌گونه نوشته‌اند: «تعزیه پدیده نادری است که دارای جنبه‌های مذهبی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نمایشی، ادبی، فولکلوریک، موسیقایی، روایی و فلسفی است و در آن دموکراسی اسلام به طور کامل رعایت می‌شود و تعزیه‌خوانی جزئی از زندگی مردم ایران به شمار می‌رفته و نمی‌توان آن را نادیده انگاشت و بر آن خط بطلان کشید.»^۳ و یا تعریف ژوزف کنت دو گبینو، محقق و نویسنده فرانسوی، که یادآور می‌شود: «وطن‌پرستی ایرانیان به صورت درام تعزیه درآمده است و روی هم‌رفته حکایت از ایمان و اعتقاد مذهبی و عشق به میهن و تنفر از ظلم و بیداد و بی‌بزاری از ستمگری بیگانگان می‌کند و آمیختن تمام این احساسات در ضمیر ایرانیان، ایجاد تأثیراتی می‌کند که واقعاً اعجاز‌آمیز است.»^۴

آن‌گونه که از تاریخ برمی‌آید ایرانیان با امر تعزیه به معنای لغوی آن یعنی تعزیر، نکوداشت، حرمت

در سال ۱۲۴۸ هجری شمسی دستور داده تا تکیه جدیدی با استفاده از تکنیک نو و بر اساس معماریه «سیرک بزرگ لندن» به وسعت ۲۰۰۰۰ تماشاگر، به سرپرستی دوستعلی خان احداث شود.

تکایایی در شهرستان‌های دیگر ایران، نظیر تکیه معاون‌الملک در کرمانشاه، تکیه وکیل‌الرعایا مشیرالدوله در شیراز و تکیه فهاندان در یزد و تکیه حیدرآبادی‌ها در میرچخماق و تکایایی نظیر امام‌زاده عبدالمهیمن و حاجی بابا حاجی در بوشهر و... ساخته شد. از معروف‌ترین بازماندگان تکایای این دوره که هنوز فعال است می‌توان از تکایای تفرش، اراک، تبریز و قوتجان و گلپایگان و اصفهان را نام برد.

به تکایایی خارج از محدوده سیاسی امروز ایران در پاکستان، در کلهنوی هند، لبنان، عراق و سوریه نیز می‌توان اشاره کرد. البته بعدها مجالس به این تعزیه‌ها افزوده گردید که اصلاً مربوط به عزاداری نبود مانند تعزیه دوره‌الصدف (امید تیمور)، حضرت یوسف و (عروسی دختر قریش) و (شیخ صنعان و دختر ترسا) و... گرچه عرصه تاریخی و پیدایی نسخه و نسخه‌نویسی تعزیه را دقیقاً نمی‌توان تشخیص نمود، اما قرائن و شواهد نشان می‌دهد که شاید شیوه روایتی مرتبه‌سارایی تنها گزینه برای پیدایی نسخه‌های تعزیه باشد که به تاریخ ادبیات ایران برگردد، اما شیوه نگارشی نسخه تعزیه با درون‌مایه مذهبی-اسلامی در ادبیات ایران مؤید این است که پس از حادثه بزرگ عاشورا، از قرن دوم هجری به بعد، عده‌ای معذود کم‌کم این حادثه را دست‌مایه شعری خود قرار دادند و مرتبه مذهبی، حماسی، و تمثیلی مربوط به شرح فداکاری شهدای کربلا و به دنبال آن واژه تعزیه و شبیه‌خوانی در دفاتر ادب فارسی هویدا گردید به طوری که در قرن نهم بخش مهمی از ادبیات ایرانی را تحت سیطره خود گرفت. اغلب این شعرا و مرتبه‌سرایان نیت خود را رسیدن به ثواب ذکر کردند. ابوبکر خوارزمی که از نویسندگان و شعرای قرن چهارم هجری محسوب می‌شود نیت خود را از نوشتن مراثی حادثه سال ۶۱ هجری، اظهار ارادت و بیان شقاوت قاتلان امام می‌خواند. صاحب‌بن‌عباد، وزیر معروف دوره دپالمه علاقه خاصی به سوگواری حسین‌بن‌علی (ع) داشت و در ایام سوگواری امام برای تلقین و تشویق سوگواری، گریه می‌کرد.^۵

ابوالقاسم محمود زمخشری (۴۶۷-۵۲۸ هـ.ق) در کتاب خود به نام *اطواق الذهب فی مواضع و الخطب*، برای نخستین بار با ذکر فتاوی مراجع و مفتی‌های زمان خود در رابطه با حادثه کربلا فتح بایی کرده است. او که پایه‌گذار امر تعزیه است در کتاب خود می‌نویسد: «هر کس که خویش را همانند (شبیهِ) دست‌های سازد در زمره همان دسته است. و همان قدر و ارزش به او خواهد رسید.» و بعد از این دوره است که مقتل‌نویسی و مقتل‌خوانی توسط مریدان و شاگردان ابوالمؤید موافق خوارزمی



موریه، بیدون و یا افرادی چون فریدالسلطنه کوبلی بندرعباسی - از دوره صفویه، زندیه و قاجاریه نوشته‌اند، جلب می‌کنم؛

نسخه و نسخه‌نویسی تعزیه، بی‌آنکه مورد تجدید نظر قرار گرفته باشد فاقد وجهت ادبی معرفی می‌شود. در حالی که تعزیه سرشار از ظرایف لفظی و صناعات ادبی است. اما کمتر محقق به خود این زحمت را داده است که نسخ منظوم تعزیه را که با شعر دراماتیک همراه است به‌عنوان دیگر نظم ایرانی - با توجه به ویژگی‌های آن - به ارزیابی بنشیند. در حالی که بر هیچ‌کس پوشیده نیست که شعر دراماتیک باید در خدمت درام و جوهره آن (حرکت و بیان) باشد. ضمن اینکه نباید از نظر دور داشت که شعر ادبی برای خواننده شدن و تلذذ خواننده سروده می‌شود.

برای زدودن غبار از چهره این هنر ملی و مذهبی در باورهای مذهبی مردم و به‌ویژه حماسه عاشورای حسینی که در زندگی و فرهنگ مردم ما ریشه دارد، همتی والا لازم است. چرا که گفته‌اند: «تمایش آینه اصغری است که جهان اکبر را آینه‌داری می‌کند.

به امید زدودن غبار فراموشی از این آینه و دیدن چهره تعزیه‌ها...»

پی‌نوشت:

۱. چلکوفسکی، پیتر، مقاله «از نمایش دینی به سوی نمایش ملی».
۲. راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶۳۷.
۳. جنتی عطایی، ابوالقاسم، بنیاد نمایش در ایران، انتشارات صفی‌علی‌شاه، ۱۳۳۳.
۴. خاکی، رضا، «تعزیه و تعزیه‌نامه‌ها»، *ایران‌نامه*، سال نهم، شماره ۲.
۵. ملک‌پور، جمشید، *گزیده‌ای از تاریخ نمایش در ایران*، نشر کیهان، ۱۳۶۴.
۶. زمخشری، ابوالقاسم محمود بن عمر، *اطواق الذهب فی مواضع و الخطب*.

(وفات: ۵۶۸ هـ.ق) وارد عرصه جدیدی شد که در این دوره خوارزمی به جمع‌آوری قصص اسلامی و فضایل اهل بیت اقدام و کتابی در این باب تحت عنوان *شهادت حسین به روایت خوارزمی* ثبت کرد و حماسه‌های نامدار، در باب حادثه عاشورا از خود به یادگار گذاشت.

ملاحسین واعظ کاشفی (وفات: ۹۱۰ هـ.ق) با نگارش کتاب معروف خود (روضه‌الشهداء) مهر تأییدی بر این جریان زد و در همین زمان‌ها بود که محمد بن سلمان فضولی (وفات: ۹۳۲ هـ.ق) در بغداد نخستین مقتل به زبان ترکی را به رشته تحریر درآورد. در دوران صفویه و خصوصاً دوره شاه اسماعیل صفوی (وفات: ۹۳۰ هـ.ق) این امر با رشد بیشتری همراه شد و زمینه تشبیه و تمثیل وارد عرصه جدیدی گردید. در این زمینه حتی اشعاری وجود دارد که آن‌ها را به خود او منسوب می‌دانند. این اشعار در باب واقعه عاشورا است و به طور کلی می‌توان گفت که در اواسط قرن دوازده، نسخه و نسخه‌نویسی در ایران باب بود. بعدها نسخه‌هایی که به نام «میرزا» و «میرغم» شهرت یافت از اشعار شعرای معروفی نظیر کلیم کاشانی، صائب تبریزی و یا حتی شعرای گمنام نظیر محمد قضایی مینایی ثبت و ضبط شده است.

در اوایل قرن سیزده الکساندر خچکو، برای اولین بار این نسخ تعزیه ایرانی را با تئاتر ایرانی مطابقت داد و آن را درام ملی-مذهبی نامید. تقریباً در همین زمان بود که شارل ویدلو، محقق فرانسوی، در کتاب خود، درام ایرانی، به معرفی گردآورندگان و دیگر مجموعه‌های تعزیه ایرانی پرداخت. کنت دو گبینو، که یک مردم‌شناس است، تعزیه را با تئاتر ایرانی مقایسه کرده است. برای کنکاش بیشتر توجه خوانندگان را به ثبت خاطرات و نوشته‌هایی که جهانگردان و یا مأموران دولتهای خارجی، مثل ارنست رونان، شولز، تاونیه اولتاریوس، جیمز